

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دانیل گوالیک
برگردان از: محمد سعادت مند
۰۳ می ۲۰۲۱

جوخه* های مرگ سازمان "سیا" این بار در افغانستان

(۲)



مقامات ارشد امنیتی دیگر هم یا از اظهار نظر سرباز زده اند و یا پرسشهای مکرر ما رانادیده گرفته و بی پاسخ گذاشته اند. "سیا" نیز از هرگونه اظهار نظر در مورد جزئیات این حملات خودداری کرده است. سازمان اطلاعاتی افغانستان [ریاست امنیت ملی] و ستاد فرماندهی نیروهای نظامی امریکادر افغانستان نیز اصولاً از پرداختن به چنین موضوعاتی پرهیز می کنند.

خشونت واحد بدنام ۰۱ در افغانستان در راستای سیاست دونالد ترامپ بود که جنایات جنگی را به امری عادی بدل کرد. اواخر سال ۲۰۱۹ ترامپ در واقع از فرماندهان ارشد ارتش خواست که چشم شان را بر اعمال ناشایست و جنایتکارانه نیروهای ویژه ببندند و از به کارگیری اقدامات انضباطی علیه آنان خودداری نمایند. ترامپ منع استفاده از مین های زمینی را لغو کرد و سربازانی را که متهم به قتل افغانها بودند، مورد عفو قرار داد. امریکا در ماه سپتمبر چند مقام ارشد دادگاه بین المللی بررسی جنایات جنگی را تحریم کرد، چرا که این دادگاه نیروهای نظامی امریکا در افغانستان را متهم به ارتکاب جنایات جنگی کرده بود. جورج پمپنو وزیر خارجه امریکا مدعی بود که این دادگاه صلاحیت بررسی این اتهامات را ندارد!

ترامپ بلافاصله پس از ورود به کاخ سفید در سال ۲۰۱۷ به جورج متیس، مشاور امنیت ملی و وزیر دفاع وقت امریکا، مأموریت داد تا برای عملی کردن یکی از قولهای انتخاباتی او یعنی خروج از افغانستان، برنامه ریزی کند.

ستراتژی ترمپ برای خروج از افغانستان بر این اساس بنا شده بود که با حداقل نیروهای نخبه آمریکایی، و با استفاده از عملیات خشونت بار، طالبان را مستاصل کرده و از موضع ضعف مجبور به مذاکره با امریکا شود. دستورالعمل های تاکتیکی که در سال ۲۰۰۷ و در دوران اوباما به کار گرفته شدند، و ظاهراً به منظور کاهش تلفات غیرنظامیان طراحی شده بود، پس از روی کار آمدن ترمپ تغییر کردند و اختیارات فرماندهان عملیات به شدت افزایش یافت، ضمن این که ۳ هزار نیروی جدید آمریکایی نیز به افغانستان اعزام شدند.

در اکتوبر ۲۰۱۷ مایک پمپئو رئیس وقت "سیا" اعلام کرد که این سازمان از عملیات تهاجمی خشونت آمیز و بیرحمانه استفاده خواهد کرد. وی به کشور مشخصی برای مشارکت در اینگونه عملیات اشاره ای نکرد، اما روی همکاری شرکای امریکا در این عملیات در سراسر جهان تأکید داشت. "سیا" خیلی زود عملیات خود در افغانستان را گسترش داد و با همکاری سازمان اطلاعاتی افغانستان و نیروهای ویژه امریکا، دست به عملیات علیه اهداف مورد نظر خود زد.

جنبه دیپلماتیک این ستراتیژی زمانی آشکار شد که امریکا، در دوران دونالد ترمپ و با دور زدن دولت افغانستان، مذاکرات مستقیم خود با طالبان را در دوحه آغاز کرد. زلمی خلیلزاد در سپتمبر ۲۰۱۹ اعلام کرد که امریکا به یک توافق اولیه با رهبران طالبان دست یافته است.

برخی صاحب نظران تعیین جدول زمانبندی خروج نیروهای خارجی از افغانستان، فراهم کردن زمینه مذاکرات طالبان و دولت افغانستان و در نهایت پایان جنگ را از خطوط اصلی این توافق اولیه می دانند.

یک روز پس از کشته شدن یک سرباز آمریکایی در جریان بمب گذاری انتحاری در ۸ سپتمبر ۲۰۱۹، ترمپ دستور توقف مذاکرات را صادر کرد. اما پمپئو وزیر خارجه وقت در همان روز اعلام کرد که در ۱۰ روز گذشته هزار نفر از اعضای طالبان به قتل رسیده اند. این مسئله آشکارا تضاد بین ادعاهای صلح طلبی امریکا با افزایش خشونت در میدان جنگ را نشان می دهد. در نیمه اول سال ۲۰۱۹ برای اولین بار هیأت کمک ملل متحد در افغانستان (یوناما) اعلام کرد که نیروهای طرفدار دولت بیش از طالبان مسؤول کشته شدن غیرنظامیان است. مذاکرات دوحه در ۹ دسمبر ۲۰۱۹ از سر گرفته شد. در ۲۹ فیوروری ۲۰۲۰، پس از یک هفته آتش بس، امریکا و طالبان قراردادی را امضاء کردند که ادعا می شد زمینه را برای پایان دادن به جنگ فراهم می کند.

این گزارش اینترسپت تقریباً در فاصله زمانی بین اولین دور مذاکرات امریکا با طالبان در اواخر ۲۰۱۸ و امضای قرارداد دوحه در ۲۹ فیوروری ۲۰۲۰ تهیه شده است. تعداد حملات واحد ۰۱ و تعداد کشته شدگان غیرنظامی در زمستان ۲۰۱۹ بشدت کاهش یافت و در بهار ۲۰۲۰ به کلی متوقف شد. مقامات ذیربط "سیا" و نیروهای ناتو در مورد این که آیا ارتباطی بین توقف حملات و امضای قرارداد دوحه وجود دارد یا نه، از هرگونه اظهارنظری خودداری کردند، اما نمی توان همزمانی این دو رخداد را نادیده گرفت. پس از امضای قرارداد دوحه، گوئی این گروه های ویژه دود شدند و به هوا رفتند. یک تحلیلگر امور امنیتی به اینترسپت گفت "من فکر می کنم که زمین دهان باز کرده و این نیروها را بلعیده است."

اگرچه نقش عوامل "سیا" و واحدهای شبه نظامی تحت آموزش آنها در آینده افغانستان از موضوعات اصلی قرارداد صلح با طالبان به شمار می رود، اما از جزئیات آن خبری انتشار نیافته است. در گزارشهای مربوط آمده است که طالبان خواستار کاهش حضور "سیا" در افغانستان بوده است، اما مشخص نیست که آیا این موضوع در پیوست های محرمانه این قرارداد گنجانده شده است یا نه. تنها مقامات ارشد امریکا و طالبان و تعداد اندکی از اعضای کنگره از متن پیوست های قرارداد مطلع هستند.

بنا به گفته اریکا گاستون، عضو مؤسسه سیاست گذاری عمومی جهانی در برلین، "سیا" همچنان دست گروه‌های ساخته و پرداخته خود را برای انجام عملیات باز گذاشته است.

حتی اگر نیروهای منظم ارتش امریکا از افغانستان خارج شوند، سازمان "سیا" توان عملیاتی گروه‌های افغان تحت امر خود را حفظ خواهد کرد. مؤسسه مطالعاتی واتسون از دانشگاه براون در گزارشی می‌گوید "این جوخه‌ها که به خوبی آموزش دیده و تجهیز شده‌اند، از دارائی‌های ارزشمند "سیا" و از بازیگران مهم در معادلات افغانستان به حساب می‌آیند. این جوخه‌های شبه نظامی از حقوق و مزایای بالائی برخوردارند و بعید است به خلع سلاح و ادغام در نیروهای ارتش منظم تن بدهند. حتی اگر از سوی "سیا" به حال خود رها شوند، ممکن است تحت عنوان ارتش‌های خصوصی از جایی دیگر سر برآورند و به خدمت جنگسالاران قدرتمند درآیند.

به کارگیری جوخه‌های مرگ توسط امریکا و کشتن غیرنظامیان بسیار تکاندهنده است، اما به هیچ وجه تعجب آور نیست، چرا که استفاده از جوخه‌های مرگ توسط امریکا در کشورهای در حال توسعه، به منظور تضعیف و نابودی جنبش‌های مردمی، سابقه‌ای طولانی دارد. در حقیقت می‌توان گفت که این نوع جنایت برای امریکا یک شیوه عملیاتی معمول و رایج است. در اینجا به پیشینه تاریخی عملیات مخفی سازمان "سیا" در دیگر نقاط جهان اشاره می‌شود:

فکر اولیه استفاده از جوخه‌های مرگ در دوران جدید به اوایل دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد که اولین جوخه‌های مرگ توسط جنرال امریکائی "ویلیام پ. یاروبوف" شکل گرفتند. پیروزی انقلاب کوبا و ظهور الهیات ره‌انیش موجب اوجگیری جنبش‌های مترقی مردمی در امریکای لاتین در اوایل دهه ۱۹۶۰ گردید. هدف عمده این جنبش‌ها عمدتاً بهبود بخشیدن به زندگی مردم بود.

برای مقابله و نابودی این جنبش‌ها و به منظور حفظ منافع اقتصادی امریکا بود که تشکیل جوخه‌های مرگ در دستور کار قرار گرفت.

مرکز پژوهش یویلسون در امریکا معتقد است که فکر تشکیل جوخه‌های مرگ حتی به سال‌ها پیش از دهه ۱۹۶۰، یعنی به اوایل قرن بیستم، برمی‌گردد، زمانی که امریکا در مخالفت با استقلال فیلیپین، با آن کشور وارد جنگ شد.

علت تشکیل جوخه‌های مرگ توسط جنرال یاروبوف در واقع این بود که گسترش فعالیت‌های مدافع حقوق بشر در جهان مانع استفاده آشکار امریکا و دولت‌های دست‌نشانده آن از نیروهای رسمی نظامی و انتظامی برای سرکوب جنبش‌های مردمی می‌شد.

بنابراین، استفاده از جوخه‌های مرگ این امکان را برای آنها فراهم می‌کرد تا در اینگونه عملیات ردی از خود باقی نگذارند. به بیان دیگر جوخه‌های مرگ به زعم جنرال یاروبوف "اسلحه پنهان آدمکش‌ان مزدور" بودند تا جنگ‌های کثیفی به راه بیندازند که نیروهای رسمی نظامی و انتظامی نمی‌توانستند در آن شرکت کنند.

امریکا، در ادامه همین سیاست، جوخه‌های مرگ را در دیگر کشورهای امریکای لاتین مثل السالوادور به کار گرفت. قتل اسقف اعظم "اسکار رومرو" در ۱۹۸۰ و کشتار ۶ کشیش عیسوی در ۱۹۸۹ از جمله عملیات جنایتکارانه این جوخه‌ها به شمار می‌روند. این دو جنایت را می‌توان آغاز و پایان جنگ داخلی خونین السالوادور به حساب آورد که طی آن ۷۵ هزار السالوادوری جان خود را از دست دادند.

جوخه‌های مرگ به منظور سرکوب جنبش‌های مترقی چپ‌گرای هندوراس و همچنین به منظور ایجاد وحشت در کشورهای همسایه مثل نیکاراگوئه که تحت حاکمیت ساندنیست هاست، برای چند دهه مشغول عملیات ترور در هندوراس بوده‌اند. بنا به گفته نویسنده و پژوهشگر امریکائی تی. جی. گلز، در دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان امریکا عملیات روانی علیه نیروهای چپ‌گرا در هندوراس را کلید زد و به منظور ایجاد فضای ترس و وحشت در میان

کارگران و رهبران اتحادیه های کارگری و روشنفکران، دست به عملیات آدمربائی و شکنجه و ترور زد. هدف از این عملیات جنایتکارانه که توسط قطعه ویژه اطلاعات نظامی، موسوم به گردان ۳۱۶ انجام می شد، جلوگیری از گسترش خواسته های مترقی مردم بود که خواهان برخورداری از آموزش رایگان، بهداشت و درمان مناسب و زندگی شایسته انسانی بودند. پس از کودتای مورد حمایت امریکا در هندوراس و به دنبال منحل شدن گردان بدنام ۳۱۶ در اوایل دهه ۱۹۹۰، امریکا برای سرکوب گروه های چپگرای ضدکودتا، جوخه های مرگ جدیدی را سازماندهی کرد.

بنا به گفته تی جی. کُلز "با کمک مالی سرفرماندهی نیروهای جنوبی امریکا، یک گروه ۲۵۰ نفره امنیتی واکنش سریع به نام "ببرها" در هندوراس تشکیل شد و در شهر لپاتریک، ۴۰ کیلومتری غرب پایتخت، مستقر گردیدند. "ببرها" توسط نیروهای کلاه سبز و یا گروهان هفتم نیروهای ویژه هوایر آموزش داده شده اند. در "دانشکده جنگ ارتش امریکا"، از "ببرها" تحت عنوان "نیروی شبه نظامی پولیس" یاد می شود. امروزه "ببرها" همچنان با حمایت امریکا دست به عملیات جنایتکارانه می زنند. هم زمان با ادامه عملیات جوخه های مرگ در امریکای لاتین، از آنها در عملیات بدنام سازمان "سیا" تحت نام "فونیکس" در ویتنام استفاده می شد، که طی آن ۲۰ هزار ویتنامی ترور شدند. امریکا، پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، از جوخه های مرگ در عملیات معروف به "گزینه السالوادوری" استفاده می کرد. "گزینه السالوادوری" در عراق، ساخته و پرداخته سرهنگ بازنشسته امریکائی "جیمز استیل" بود که در تشکیل جوخه های مرگ در دهه ۱۹۸۰ در السالوادور نقش داشت. جوخه های مرگ در عراق برای کشتار هر کسی که در سر راه آنها قرار می گرفت تردیدی به خود راه نمی دادند. ادامه کشتار جوخه های مرگ منجر به شعله ور شدن جنگهای فرقه ئی گردید که پیامد آن برای عراق فاجعه بار بود. پس از دوسال و در اوج درگیریهای قومی، روزانه مردم با هزاران جسد در خیابانهای عراق مواجه می شدند.



بسیاری از این کشته شدگان غیرنظامیان قربانی درگیریهای فرقه ئی بودند. امریکا مدتی نیز در سوریه، به منظور بی ثبات کردن دولت بشار اسد، به عملیات "گزینه السالوادوری" متوسل شد. افشاگری اخیر اینترسپت در مورد جوخه های مرگ سازمان سیا در افغانستان نشانگر آن است انجام اینگونه عملیات مرگبار امپریالیسم امریکا در قرن بیست و یکم همچنان ادامه دارد. این شیوه های جنایتکارانه به معنای واقعی کلمه ارتجاعی و بازدارنده هستند، زیرا برای کشورهای طراح و به اجراء درمی آیند که آنجا جنبشهای ضداستعماری و مردمی در پی کسب استقلال واقعی کشور خود و ساختن جامعه ای عدالت محورند. علی رغم تبلیغات و ادعاهای پر سروصدای امریکا در رابطه با گسترش حقوق بشر و دموکراسی در سراسر جهان، این کشور در عمل مخالف سرسخت تمامی جنبشهای رهاییبخش ملی است و ابزاری که برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خود به کار می بندد، ابزاری هراس انگیز و بربرمنشانه است.

منبع:

<https://mltoday.com/us-continues-its-long-history-of-using-death-squads/>

<https://theintercept.com/2020/12/18/afghanistan-cia-militia-01-strike-force/>



*- معادل جوخه در اردوی افغانستان: دلگی